

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهستی شاهرخ
۲۱ اگست ۲۰۲۱



«توهمات کرونائی و طالبانی»

کرونا مردم را مانند برگ از درخت زندگی می تکاند و به خاک می اندازد. در ایران، نه داروئی برای مداوا موجود است و نه واکسینی برای پیشگیری. توده مردم بدون سیروم، بدون اکسیرن، بدون ماسک در حیاط بیمارستان‌های بدون تخت. کرونا با حکومت طالبانی گورستانها را گسترش داده و آباد کرده است. اگر کسی از کرونا جان سالم بدر ببرد، تیراندازان طالبانی قلبش یا مغزش را نشانه می روند.

*

امروز نرخ یک دالر بیست و هفت هزار تومان شده است. نرخ دالر روز به روز بالا و بالاتر می‌رود. تابستان پنجاه و هفت با پولی کمتر از یک دالر امروز از ایران به اروپا آمدم. گشت و گذار و موزه نوردی و دیدن تابلوهای بی مانند و خیال انگیز! شهر یورماه در بازگشتم، تهران از اینرو به آن رو شده بود. کوره آدم سوزی در سینمای رکس همه را دگرگون کرده بود. چگونه به این سرعت مردم را خشمگین و سازماندهی کردند؟

*

صعود نرخ دالر به آسمان
عروج مریم مقدس به ملکوت
سقوط کابل به دست طالبان در همان روز
تسخیر نینوا توسط داعش
ظهور مدافعان حرم و سپاه قدس در سوریه
ویران شدن بندر بیروت در انفجاری ناگهانی

انتصابات حماسه آفرین ابراهیم و بشار و رجب با قاطعیت بی پروبرگرد و اکثریت آراء
معجزات صندوق شعبده رأی گیری که هر بار بشار و چکمه از آن بیرون می آیند

*

قرنطینه کرونائی، حکومت نظامی و قانون منع عبور و مرور

از ترس کرونا در خانه می مانیم

تمام وقت در اندرونی به سر می بریم

در خانه خود را به خواندن اخبار کرونائی از زندگی کرونائی اشباع می کنیم

بیشتر وقتها هم پناه می بریم به دنیای مجازی و کرونائی کهکشان اینترنت

کمتر پیش می آید در دنیای واقعی کسی را ببینیم

و روزها اینگونه می گذرد

*

طالبان بی شباهت به کرونا نیست، یک ویروس مهلک ساخت بشر. که هر چند وقت یک بار جهش می کند و به شکل تازه ای ظاهر می شود. این ویروس جهش یافته، یک روز نامش داعش است، یک روز طالبان است. یک روز اخوان المسلمین است. یک روز نامش می شود القاعده. همه با مرگبار بودن این پدیده آشنا هستند و چوبش را خورده اند. ریشه کن هم نمی شود. چه کسی فکرش را می کرد که اینها در قطر پخت و پز هایشان را بکنند و یک دفعه به افغانستان حمله کنند و در مدت کوتاهی همه شهرها را تصرف کنند. رژیم چنج بود این؟ چی بود این؟

*

انتقال قدرت در ایران در سال پنجاه و هفت هم همینقدر نامنتظره بود. اسمش را گذاشتند: انقلاب! برایش فیلسوف و تئوریسین پیدا شد. چپها حمایت کردند و تنور طالبان نامیر وان را چنان داغ کردند که دست و بال بعضی از خودی هایشان سوخت. پس از آن دولت موقت و اعدامهای پشت بام مدرسه رفاه.

دولت طالبانی که باید خبرنگار خارجی غیرمسلمان هم با حجاب به دیدارشان برود. طالبان در افغانستان با صورتهای بسته و داعش در سوریه و عراق با چهره هائی پوشیده مانند فلمهای هالیوودی خبرنگاران را گردن می زدند. این مزدوران، این موجودات مغزشوئی شده، این سپاه روایات جانی، این ویروسهای ساخت لابراتوار، چه چیز را می خواهند به ما بباورانند؟ که زندگی کوتاه است؟ که مرگ نزدیک است؟ سهم چه را می خواهند از ما بدزدند؟ از جان ما چه میخواهند؟ امروز ویروس جهش یافته نامش «امارات اس. اس. لایمی افغانستان» است. فردا نامش چه خواهد بود؟

*

پیش از کرونا و طالبان مرگ جایش در گورستان بود. اما الان در دوران پساکرونائی و پساطالبانی مرگ همه جا هست. در خانه، در بیمارستان، در خیابان. دارم هم تراژیدی هملت را به چشم می بینم و هم زندگی می کنم. از ابتدای نمایش، هملت در گورستان است، نیمه شب بر سر گور پدر مقتولش رفته که ناگهان روح او ظاهر می شود و حق طلبی می کند. پدرش را کشته اند، در گوشش زهر ریخته اند و مسمومش کرده اند و صاحب تاج و تخت و همسرش شده اند. چقدر این داستان همگانی و جهانیست. چقدر زیر گوش پدران مان بدگوئی کردند و ذهن آنها را علیه ما مسموم کردند و آنها را علیه ما برآشتند تا ما را از خانه برانند و صاحب ملک و مال ما شوند؟ آیا سرانجام هملت ها به میهن بازمی گردند تا فتنه ها را افشاء کنند؟ و حقیقت را به هر شکلی شده به ملت بنمایانند و دادخواهی کنند؟

*

حقیقت کجا رفته است؟ امید را چه شد؟ امید در استان پنجشیر است. پنج شیر با پنجه های شیر هنوز به دام غولهای بیابانی شهربازی ندیده و کودکی نداشته نیفتاده است. هنوز امیدی مانده است. مانند همیشه، شانسی موجود است چون امید در ته جعبه پاندورا مانده و نگریخته است. غولهای غارنشین دوباره ظاهر شده اند و به میان شهر آمده اند و می خواهند با روش صلح آمیزی آهسته آهسته شهرنشینی را به غارنشینی و زندگی در عصر حجر تبدیل کنند. جاده بازرگانی ابریشم به جاده نوین ابریشم برای انتقال مواد مخدر و روان گردان در سطح جهان در می آید و در این میان مافیای مواد مخدر شادان است. انگار دیگر هیچ راه گریزی نیست. اما همیشه امیدی به بهروزی در ته صندوقچه دل آدمی می ماند و همین امید است که به انسان شور زندگی و میل به تلاش می دهد. پنجه شیر همیشه در پیکار است.

*

بیست و هفت مرداد ماه [اسد] هزار و چهارصد- پاریس ۱۸/۰۸/۲۰۲۱